

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و هفدهم، ۱۹ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/حساب های جاری /انواع معاملات در حساب های جاری

1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا، وَأَسْرَتْهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا [1].»

1-1-1، منزل سی و یکم: رهایی از فریب دنیا

روز چهارشنبه است. گرچه هر روز بحثمان متبرک به روایات است، ولی روزهای چهارشنبه بیشتر به مسائل اخلاقی پرداخته می‌شود. در خطبه‌ی متقین یا هدایت سالکان و خصوصیت عارفان از نگاه امام عارفان و پرهیزکاران، حضرت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) بودیم. به این فراز رسیدیم: «أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا، وَأَسْرَتْهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا.»

چقدر حضرت تعبیر زیبایی دارند. فرمودند: یکی دیگر از خصوصیات پرهیزکاران این است که دنیا آنها را فریب نمی‌دهد. اینها اسیر دنیا نمی‌شوند. در عین حالی که دنیا زرق و برق و فریب دارد، ولی اینها این قدر زرنگ هستند و اهل سیر و سلوک و دقت هستند که در عین حالی که اهل دنیا تلاش می‌کنند آنها را اسیر کنند، ولی آنها اسیر دنیا نمی‌شوند. دنیا آنها را اراده می‌کند و به سراغ آنها می‌آید، ولی آنها دنیا را اراده نمی‌کنند و سراغشان نمی‌روند. دنیا سعی می‌کند اینها را اسیر کند، ولی جان خود را نجات می‌دهند و اسیر ثروت و جاه و قدرت نمی‌شوند. دنیا هزاران دام دارد، ولی اینها فریب نمی‌خورند. دنیا ابزاری که دارد، شیطان و نفس اماره است؛ به وسیله این دو انسان را به اسارت می‌گیرد.

1، 1-1.1-1، داستان شیخ انصاری رحمه‌الله و دام شیطان

حکایت مرحوم شیخ انصاری رحمه‌الله را شنیده‌اید؛ «شیخ عبدالرحیم یا شخص دیگری از شاگردان شیخ انصاری رحمه‌الله در خواب دید که شیطان با ۷ طناب محکم و قوی به سراغ شیخ آمده است، ولی ایشان ۷ طناب، به خصوص طناب هفتم را پاره کرده است. تعجب کرد. فردای آن روز به محضر استاد آمد. خجالت کشید خوابش را بگوید. به اشاره‌ی استاد خوابش را گفت. شیخ گریه کرد و سجده کرد. شیخ انصاری گفت: دیشب ۷ بار اراده کردم از پول‌های مردم برای کارهای شخصی استفاده کنم، بار هفتم گفتم خدایا اراده‌ای بده که استفاده نکنم. می‌گویند این آقا از شیطان پرسید طناب‌های من کجا است؟ شاید شوخی باشد، ولی موعظه است. گفت تو به طناب نیاز نداری، خودت دنبال ما می‌آیی.»

1،1-1.1.2، برنامه‌ریزی برای رهایی از دام شیطان

موقعیت و ریاست و حتی و درس و کرامت، گاهی رهنم می‌شود. باید خیلی تلاش کنیم اسیر شیطان نشویم و در چنگ شیطان نیفتیم. آن چیزی که می‌تواند ما را نجات دهد، برنامه‌ریزی است که شیطان ما را اسیر نکند. طوری باشد که ما بر شیطان تسلط پیدا کنیم، نه اینکه شیطان بر ما تسلط پیدا کند. خدای نخواستہ اگر شیطان مسلط شد، پایانش خدای نخواستہ جهنم است. این جزای سخت و عذاب الیم است. باید بکوشیم که جان و نفسمان را از سرای طبیعت بیرون ببریم. تنها راهش برنامه‌ریزی است. به قول مرحوم نراقی: «هر سگی عوعو کند، نانش دهند، ساکت شود، سگ نفس را اگر خواهی ساکت شود، نانش نده.»

توکز سرای طبیعت نمی‌روی بیرونکجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

جمال یار ندارد حجاب و پرده ولیغبار ره بنشان تا نظر توانی کرد[2]

باید مقداری از دنیا جدا شویم؛ چون جمال باری‌تعالی هیچ حجابی ندارد. ما خود حجاب خودیم.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز[3]

اگر چشم‌های ما آلوده نباشد، می‌توانیم نظر کنیم. چشم آلوده نمی‌تواند ببیند. متقین اهل برنامه هستند؛ برنامه سحر و برنامه روز.

1-1.2، منزل سی و دوم: تلاوت قرآن در سحر

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا. يُحَزُّونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا، وَتَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا، وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ[4].»

شب قرآن می‌خوانند ناله می‌کنند. سراغ قرآن می‌روند. قرآن، اولین و بهترین نسخه است.

وقتی به آیات بهشت می‌رسند آرامش پیدا می‌کنند و گمان می‌کنند این سیرالی‌الله است که چشم دلشان باز شده و آیات الهی را می‌بینند. بهترین برنامه‌ی سیر و سلوک، قرآن است. اگر بتوانید در حالت ایستاده روی دستتان ختم قرآنی انجام دهید، خوب است.

2-پیام انتخاباتی (قسمت اول: توصیه به نامزدها)

3-خلاصه جلسه گذشته

در ترسیم برنامه‌های مشروع بانک‌ها بودیم. به این نتیجه رسیدیم که بانک از ضروری‌ترین جاهایی است که اقتصاد دنیا و کشورهای اسلامی نمی‌تواند جدای از آن باشد.

4-آیات مربوط به قرض‌الحسنه

نماد بانکداری اسلامی در این آیات هست:

4.1-آیه اول

سوره بقره، آیه ۲۴۵:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ [5]

4.2-آیه دوم

سوره مائده، آیه ۱۲:

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾؛ [6]

4.3-آیه سوم و چهارم

سوره مبارکه حدید، آیه ۱۱ و ۱۸:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ [7]
﴿إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ [8]

4.4-آیه پنجم

سوره مبارکه تغابن، آیه ۱۷:

﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾؛ [9]

4.5-آیه ششم

و سوره مبارکه مزمل، آیه ۲۰:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [10].

این آیات به اقتصاد همگانی دعوت می‌کند. اقتصاد اسلامی، فردی نیست. اقتصاد فردی است که در جمع است. تنها نگاه به پاداش فردی ندارد، بلکه سود جمعی را هم رعایت می‌کند. یکی از فلسفه‌های تحریم ربا همین است. خداوند انباشت سود در یک جا را نمی‌پسندد. اگر یک سرمایه‌دار سود داشته شود و عده‌ای به استضعاف کشیده شوند، جایز نیست. کاپیتالیسم، فقط به سرمایه نگاه می‌کند. در سوسیالیسم، آن قدر اشتراک را دارد که برای کار ارزشی قائل نیست. اسلام، امت وسط است. «مَشِيهُمُ الْإِقْتِصَادُ»؛ [11] روش آنها میانه است. اسلام به سرمایه هم نگاه می‌کند که به استکبار و استضعاف کشیده نشود.

5-روایات مربوط به قرض الحسنه

در کتاب وسائل، ج ۱۸، ابواب دین و قرض، باب ۶ (باب إستقراض المؤمن)، چندین روایت است:

5-1-5، روایت اول

محمد بن علی بن الحسین فی (ثواب الاعمال) عن أبيه، عن سعد، عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن محمد بن حباب القمط، عن شيخ كان عندنا قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «لئن أقرض قرضاً أحب إليّ من أن أتصدق بمثله. وكان يقول: من أقرض قرضاً وضرب له أجلاً فلم يؤت به عند ذلك الاجل كان له من الثواب في كل يوم يتأخر عن ذلك الاجل بمثل صدقة دينار واحد في كل يوم» [12].

5-2-5، روایت دوم

وعن محمد بن الحسن، عن الصفار، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن ابن سنان، عن الفضيل قال: « قال أبو عبد الله عليه السلام: ما من مسلم أقرض مسلماً قرضاً حسناً يريد به وجه الله إلا حسب له أجرها كحساب الصدقة حتى يرجع إليه» [13].

5-3-5، روایت سوم

وعنه، عن الصفار، عن أحمد، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من أقرض مؤمنا قرضا ينظر به ميسوره كان ماله في زكاة، وكان هو في صلاة من الملائكة حتى يؤديه [14].»

5-5.4، روایت چهارم

وعن أبيه، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هيثم الصيرفي وغيره عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «القرض الواحد بثمانية عشر وإن مات حسبتها من الزكاة [15].»

5-5.5، روایت پنجم

وفي (عقاب الاعمال) بإسناد تقدم في عيادة المريض عن رسول الله صلى الله عليه وآله - في حديث - قال: «ومن أقرض أخاه المسلم كان له بكل درهم أقرضه وزن جبل أحد من جبال رضوى وطور سيناء حسنة، وإن رفق به في طلبه تُعدى به على الصراط كالبرق الخاطف اللامع بغير حساب ولا عذاب، ومن شكأ إليه أخوه المسلم فلم يقرضه حرم الله عز وجل عليه الجنة يوم يجزي المحسنين [16].»

6-انواع معاملات در حساب های جاری

بانکها در حساب های جاری، یکی از این معاملات را انجام می دهد:

قرض، امانت یا ودیعه با توجه به قانون وکالت؛ وکالت برای تصرف در پول.

7-تفاوت امانت بودن حساب های جاری با وام بودن آن و ثمرات این دو وجه

اگر حساب جاری وام باشد، یا امانت، تفاوت هایی دارد. اگر امانت است، اولاً باید به قدر موجودی مردم پس انداز داشته باشند و مازاد را می توانند مصرف کنند؛ چرا که شاید هر لحظه صاحب امانت بیاید، بگیرد. بعد می توانند سرمایه گذاری کنند. ثانياً این اموال اگر بدون افراط و تفریط تلف شد، بانک ضامن نیست و مدیون نیست. تعهدی ندارند. ولی اگر وام بود، لازم نیست موجودی محفوظ باشد. لازم نیست به صورت ضمان در تلف باشد. به نحو قرض الحسنه و وام است و یا امانت و وکالت؟

آنچه ما نزدیک به کار بانک می دانیم، ظاهراً مسیر امانت است. بستگی به قراردادها دارد. پیشنهاد می کنیم بانکها به صورت قرض الحسنه بپذیرند. ثمره سوم هم اینکه لازم هم نیست بانکها سود پرداخت کنند.

8-دو نوع حساب بانکی هنگام افتتاح حساب در حساب های جاری

تحقیقی که کردیم در بانک‌ها هنگام افتتاح حساب، دو نوع حساب را به مشتریان پیشنهاد می‌کنند: گاهی می‌گویند: به صورت قرض‌الحسنه می‌خواهید باشد، یا حساب بلند مدت، یا کوتاه مدت؟ سؤال خوبی است. می‌شود گفت: یکی وام است و دیگری امانت؟ بانک‌ها باید تبیین کنند، پول را به چه عنوان می‌گیرند؛ ودیعه یا امانت؟ وام است، یا نگهداری؟

9- ملاک مشروعیت سود بانکی در حساب‌های جاری بر وجه امانت

اگر مشتری حساب جاری باز کند و توجه او به سود ماهیانه باشد، بدون شک ربا است؛ ولی اگر پولش را برای حفاظت بگذارد و بانک سودی بدهد، آن هم نه مشخص، بلکه به عنوان علی‌الحساب، اشکالی ندارد. مانند اینکه دو نفر با هم پولی را به عنوان وام بدهند و کسی که وام می‌گیرد، چیزی را به وام دهنده بدهد و به عنوان هدیه رد به احسان داشته باشد، اشکالی ندارد. قرارداد باشد. اگر در قرارداد، درصد سود بگذارند و هر دو توجه به این داشته باشند، شکی در حرمتش نیست. اگر قراردادی داشته باشند که جلو و عقب کردن سررسیدها را به عنوان دیرکرد جریمه بگذارند، اگر متصل به وام باشد، جزو شبهه ربا است. ربای قرضی، ظریف است.

10- ملاک مشروعیت سود بانکی در حساب‌های جاری بر وجه قرض‌الحسنه

از دیگر خدمات بانکی بحث حساب‌های قرض‌الحسنه است. این کار خوب است تقویت شود. سود را به عنوان جایزه و رد احسان، یا حسن مشتری، یا درآمد خوب بدهند، یا کسی که سرمایه بیشتر بیاورد؛ ولی به عنوان وابستگی به سوددهی نباشد. قرض‌الحسنه هیچ بهره و سودی برای قرض‌دهنده ندارد. قرض‌گیرنده هیچ گاه بدهکاری به وام دهنده نداشته باشد؛ اگر چنین باشد، اقتصاد می‌خوابد؛ باید برای دو طرف سوددهی داشته باشد.

11- مشروعیت کارمزد بر وجه قرض‌الحسنه

به نظر ما این نفع را در نظام بانکی به عنوان کارمزد انجام دهند. درصدی از حساب قرض‌الحسنه می‌توانند به عنوان کارمزد از مشتری بگیرند. کارمندان بانک مزدشان را از حساب‌ها دریافت کنند.

مانند اینکه تاجری و سرمایه‌داری کسی را جلوی مغازه‌ای می‌گذارد و می‌گوید این قدر به تو می‌دهم، این کارها را انجام بده. کسی که از مشتری‌ها برای این فرد پول بگیرد. اشخاصی برای راه‌اندازی کار وام‌دهنده و وام‌گیرنده باشند، گرفتن سود برای این جهت اشکال ندارد. آن شخص، تخصص دارد و حساب‌دار است و گاهی بازاریاب خوبی است و پول جذب می‌کند. اگر بگویند مزد روزانه من این قدر است و من این قدر اضافه می‌گیرم، مشروع است؛ چون اجرت

تخصص و مهارت اوست. بانک‌ها اگر تدبیر کنند، متخصصین اداره می‌شوند و مردم هم راضی هستند. حلال و حرام را رعایت کنند». إنما يحلّ الكلام و يحرم الكلام [17]. «درصدها باید عادلانه باشد. تورم بالا است و کارمزدها و مزد کارمندا باید شرعی اداره شود.

12- تفاوت عقد ضمن وام با وام ضمن عقد در مشروعیت کارمزد

به بانک‌ها پیشنهاد می‌کنم فقیهانی و عالمان به مسأله در شورای اقتصادی کشوری، شرکت کنند. قراردادهایی که می‌بندند در ضمن حساب‌های قرض‌الحسنه و جاری عنوان کارمزد را هم قید کنند. کارمزد، عقد الاجاره است و برای وام ضمن عقد اجاره اتفاق می‌افتد، نه اجاره ضمن وام. اگر عقود وابسته به وام باشد، اشکال دارد، ولی اگر وام وابسته به عقد باشد، ربا نیست. قرارداد اجاره می‌بندند و اجیر می‌کنند و کارمزدش را زیاد، یا کم، یا معتدل معلوم می‌کنند و توافق می‌کنند، اشکالی ندارد.

مسئولان سعی کنند از ربا پرهیز کنند.

ان شاء الله عنوان مضاربه را خواهیم گفت. اگر به بانک امانت می‌دهند و برای مضاربه قرارداد می‌بندند، باید بر اساس «المؤمنون عند شروطهم [18]» باشد. به شرطی که راه منحصر و بن بست نباشد. شرکت‌ها و بانک‌ها باید راه را نبندند و اختیار در عقود را بدهند.

[1] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[2] غزلیات حافظ، غزل شماره ۱۴۴.

[3] غزلیات حافظ، غزل شماره ۲۶۶.

[4] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[5] بقره/سوره ۲، آیه ۲۴۵.

[6] مائده/سوره ۵، آیه ۱۲.

[7] حدید/سوره ۵۷، آیه ۱۱.

[8] حدید/سوره ۵۷، آیه ۱۸.

[9] تغابن/سوره ۶۴، آیه ۱۷.

[10] مزمل/سوره٧٣، آيه٢٠.

[11] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج١، ص٢٠٤، خطبه١٩٣.

[12] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٣٢٩ و ٣٣٠، أبواب الدين و القرض، باب٦، ح١، ط آل البيت.

[13] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٣٣٠، أبواب الدين و القرض، باب٦، ح٢، ط آل البيت.

[14] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٣٣٠، أبواب الدين و القرض، باب٦، ح٣، ط آل البيت.

[15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٣٣٠، أبواب الدين و القرض، باب٦، ح٤، ط آل البيت.

[16] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٣٣١، أبواب الدين و القرض، باب٦، ح٥، ط آل البيت.

[17] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٨، ص٥٠، أبواب أحكام العقود، باب٨، ح٤، ط آل البيت.

[18] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج٢١، ص٢٧٦، أبواب المهور، باب٢٠، ح٤، ط آل البيت.